

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

فرق خوف ضرر با خود ضرر در این است که خوف ضرر در بین عقلا در 30% هم محقق می شود اما در رسیدن به موضوع ضرر نیاز به دلیل علم و علمی است.

از امروز وارد بحث ظواهر می شویم تا حال مقدمات این بحث را عرض کردیم. مرحوم آخوند سه مقدمه را مطرح کرد و ما آن را به 5 مقدمه رساندیم. نکته: یک بحث به این مهمی مهجور مانده بود و ما مقداری به آن پرداختیم.

اما بحث حجیت ظهور: جزء مهمترین بحث های اصول است؛ البته با نگاه جدیدی که باید در موضوع بشود. مرحوم آخوند پنج مطلب را طبق شماره ای که من زده ام بیان می کند. مطلب اول: لا شبهة فی لزوم اتباع ظاهر کلام الشارع فی تعیین مراده فی الجملة.

بیان عبارت: به حسب ظاهر عبارت بسیار روشن و واضح است یعنی شبهه ای نیست عقلاً، که ظاهر کلام شارع در تعیین مرادش فی الجملة متابعت شود. قید فی الجملة اشاره به اختلافاتی است که می آید. این عبارت اولاً ظهور را معنا نکرده است و این نقص برای عبارت تلقی می شود. معیار ظهور از غیر ظهور چیست؟ آیا ظهور شخصی است یا نوعی؟ فرق ظهور با نص چیست؟ مرحوم آخوند این سوالات را بعداً هم بیان نمی کند. این عبارت نکته ای دقیقی دارد که می فرماید متابعت شارع در تعیین مراد شارع.

ما بعضی وقت ها ظهور کلام کسی را اخذ می کنیم اما نه برای تعیین مراد بلکه برای مخاصمه، قضاوت و داوری و... مثلاً ظاهر کلام متهم را می گیریم حال هرچه متهم بگوید من شوخی کردم و... و قاضی می گوید اقرار العقلاء علی انفسهم جایز. الان در دنیا دو نوع قضا مطرح است؛

1: امارات قانونی: قاضی قانون را می گیرد و طبق آن حکم می کند یک عده طرفدار این اندیشه هستند و می گویند برای اینکه سیستم قضا منضبط شود باید طبق امارات قانونی عمل شود و اقتناع وجدان قاضی لازم نیست.

2: سیستم دلائل معنوی یا اقتناع قاضی: می گویند قاضی باید ببیند از مجموعه قرائن و شواهد به قرار می رسد یا نه؛ اگر وجدان قاضی قانع شده حکم بکند؛ اینها هم طرفدارن جدی دارد و معتقدند اگر طبق امارات قانونی عمل شود ممکن است حق مردم شایع شود.

استاد: مشکل سیستم دوم، عدم وحدت رویه قضائی و سلیقه ای شدن قضا است. باید دید در اسلام کدام یک از دو سیستم حاکم است؟ و این نیاز به پرسش دارد. بنابر سیستم امارات قانونی آنچه که ملاک است ظهور است.

اما سوال میکنم در جایی که واقع بسیار مهم است آیا به ظواهر اکتفاء می کنند؟ پزشک که می روید و او دارو می نویسد وقتی شما احتمال بدهید او اشتباه می کند آیا به ظاهر کلام دکتر اکتفاء می کنید؟!

ببینید ما گاهی دنبال کشف واقع هستیم و گاهی دنبال داوری هستیم، آقای آخوند ظاهر را برای کدامیک می گوید اعتبار دارد؟ آقای آخوند برای کشف واقع می فرماید البته که داوری را هم شامل می شود. همین نکته ما را چند جلسه معطل می کند.

مطلب دیگر: لا شبهة فی لزوم... یک ادعا است و دلیلش معلوم نیست؛ به چه دلیل ما باید متابعت از ظاهر کلام شارع کنیم؟ مرحوم آخوند می فرماید: به خاطر بنای عقلا ما باید متابعت کنیم عبارت آخوند: لاستقرار طريقة العقلا علی اتباع الظهورات فی تعیین المرادات مع القطع بعدم الردع عنها لوضوح عدم... چون عقلا این سیره را دارند و شارع این را رد نکرده و طریق دیگر ارائه نکرده است.

در این عبارت ایشان عرف و بنای عقلا را شاهد ادعایش قرار می دهد؛ اما علمای ما وقتی که بگویند شارع پذیرفته در مقابل بنای عقلا کنار می آیند. برخی می گویند باید شارع امضاء کند تا بنای عقلا را بپذیریم در مقابل برخی می گویند اگر شارع ردع نکرده باشد طریقه عقلا قبول است.

مرحوم آخوند ولو این تعبیر بالا را دارد اما ایشان قائل به امضاء شارع است و عدم ردع را کافی نمی داند اما ایشان معتقد است عدم الردع در جایی که یک سیره ای وجود دارد و شارع ردع نمی کند و طریق دیگری وجود ندارد همین سیره اخذ می شود. به عبارت دیگر: گاهی عدم ردع مصداق امضاء می شود .

الحمد لله رب العالمین